

قوانین تردید ناپذیر کسب و کار

دانش و گردآوری:

امین بهرامی و طهمین

مسعود خورشیدی

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه طنز به سبک من.....	۲
قوانین کسب و کار.....	۳
قانون اول.....	۴
حمی خبر کن!.....	۵
قوانین کسب و کار: آن را کمی بهتر انجام بده.....	۶
قوانین کسب و کار: ما پله‌هایی برای یکدیگر هستیم.....	۷
راهکار کاسبی: بیشتر همیشه بهتر نیست.....	۸
نقشه راه دوم: سمت اول.....	۹
نقشه راه موفقیت: قسمت دوم: قوانین موفقیت.....	۱۰
نقشه راه موفقیت: قسمت سوم: شیوه تصمیم‌گیری انسانهای موفق.....	۱۱
نقشه راه موفقیت: قسمت چهارم: فرایند تصمیم‌گیری.....	۱۲
قسمت پنجم: نقشه راه موفقیت - ارزش نسبت به پول.....	۱۳
نقشه راه موفقیت: استعاره‌هایی برای زندگی.....	۱۴
نقشه راه موفقیت: مرکز کنترل شما کجاست؟.....	۱۵
نخستین گام‌های موفقیت.....	۱۶
راه‌های موفقیت شغلی دیگر مانند گذشته نیست (مقدمه).....	۱۷
مقدمه‌ی نامه‌های آتی.....	۱۸
نامه‌ای به فرزندم.....	۱۹
نامه‌ای به فرزندم.....	۲۰
نامه‌ای به فرزندم.....	۲۱
نامه‌ای به فرزندم.....	۲۲
نامه‌ای به فرزندم.....	۲۳
نامه‌ای به فرزندم.....	۲۴

پیشگفتار

از داستان های موفقیت حوصله تان سر رفته است؟ من می خوام برای شما داستان هایی حماسی از شکست و شرم بگم. اغلب مردم شیفته یک داستان موفقیت خوب هستند، اما چه کسی می تواند در برابر قصه های حماسی مربوط به تحقیر، شرم زدگی، شکست و ... مقاومت کند؟

من امین کافورم و با جرات میگویم نمی توانم او به همین خاطر کتابم را در همین باره شروع کنم. بسیاری از صاحب نظران و منتقدان از دنیای امروزی به عنوان عصر عدم تداوم یاد میکنند. عصر عدم تداوم به این معناست که دیگر تئوری های حل های گذشته برای مسائل جاری و آینده سازمان کارگشا نیستند و باید شیوه های دیگرانندیشید و به دنبال راهکارهای جدید سازمانی با ساختارهای نوین بود تا بتوان نیازها و خدمات را با حداقل هزینه و با کیفیت برتر متناسب با نیازها و سلیقه های مشتری، تولید کرد. بنابراین اگر قرار است اقتصادی موفق داشته باشیم نیاز به شرتهای موفق در محیط های رقابتی داریم و این امر مستلزم داشتن نیروی انسانی پرتوان و خوداتکاء، دارای روحیه خلاق و کارآفرین است. در نتیجه کارآفرینی، خلاقیت، نوآوری و کسب و کارهای مخاطره آمیز، سوخت موتور اقتصاد مدرن را فراهم میکنند؛

یعنی در هر سازمان اگر بستر کارآفرینی فراهم آید اشتغالزایی ایجاد میشود و عامل انتقال فن آوری خواهد شد.

تجربه دنیای امروز نشان داده است که نوآوری های مهم و پیشرفتهای تکنولوژیکی، در سازمانها و شرکتهای بزرگ دولتی اتفاق نخواهد افتاد. قابلیت تطبیق با بازار و نیاز روز، از یک بهر حتم، بزرگ پیچیده، ساخته نیست در نتیجه برای پیشرفت سریع و ارائه محصولات جدید، تنه راه و تر، ایست و توسعه شرایطی است که فعالیت های اقتصادی کوچک بتوانند تأسیس شرکت و بابت کنند.

مقدمه طنز به سبک من

من به گویندگی و خوانندگی علاقه ی زیادی داشتم اما هر جا میرفتم و به هر که می گفتم، می گفتند استعدادش را نداری ا مادرم دلش می خواست که من دکتر شوم ولی راستش من شجاعت این کار را نداشتم ا پدرم میگفت خب لااقل مهندس شو ولی آخه من ، راد ، هوش مهندسی هم نداشتم ا دوستایم میگفتند تو که هیچی نداری، لااقل سوفورچی شو، ای من حقوق سوفورچی را دوست نداشتم امن دلم حقوق های چند میلیونی می خواست ا پدرم می گفت با این حال فقط یک شغل به دردت میخوره و اون هم اینکه بری دلقک سرک ایی ا نه شجاعت می خواد، نه سواد، نه هوش ا تازه پول زیادی هم توشه ا درضمن، کل هم به دم رو میخندونی ا گفتم آخه من دلم نمی خواد مردم بخندن، دوست دارم من فقط به مردم بخندم !! هی من کار کنم، هی ملت حرص بخورن، هی من بخندم!

به هر کی گفتم میگه، همچین شغلی وجود نداره، ولی راستش چند سال پیش که داشتم تلویزیون میدیدم، بالاخره شغل مورد نظرم رو پیدا کردم ا دانشی که نه استعداد می خواست، نه سواد، نه هوش، نه شجاعت ا تازه کلی هم در آمد داشتم ا عالمه هم میتونستم به مردم بخندم ا من رئیس فدراسیون فوتبال میشم !! تیم ملی نره جام جهانی، هی مردم گریه کنن، هی من بخندم ا از آسیا هی حذف بشیم، هی مردم حرص بخورن، هی من بخندم ا هر قانونی خنده داری دلم خواست بگذارم، هی کارشناسان و ملت سرخ

شن، هی من بخندم! مردم هی شعار بدن کاظمیان حیا کن، فدراسیون رو رها کن، من هم استعفا ندم و هر هر به ریش همشون بخندم! آره امن می خواستم رئیس فدراسیون فوتبال شم و به همه عالم و آدم، مخصوصا به این عادل فردوسی پور پررو بخندم!!

www.ketab.ir